

خواهرم را فریب داد:

# قاتل همدستش را در قتل پدر و مادر نبخشید!

■ قاتل تهرانی که پدر و مادرش را به قتل رسانده است همدستش را نبخشیده است!



است. ما زندگی سختی داشتیم. همیشه آرزو داشتیم به جایی برسیم که بتوانم زندگی مسان را تغییر دهم. پدرم اعتیاد شدید داشت و مادرم با کار قالیچویی و کار در خانه مردم زندگی اش را می گذرانید. اما رفتارهای مادرم خوب نبود و همین اختلافات با او باعث شد اقت تحصیلی شدید پیدا کنم. درسم را رها کردم و مشغول کار شدم که دیگر نیازی نباشد مادرم کار کند. حالا هم که این فاجعه اتفاق افتاده و سابقه دار شده ام، فامیل دیگر دلشان نمی خواهد من را ببینند. اما دوست دارم بعد از آزادی آینده خوبی برای خواهرم بسازم. او چشم به راه من است. مددکار بهزیستی می گوید که او هر روز پشت پنجره

روم. بعد می خواهم پاپس اندازی که از کار آرایشگری در زندان جمع کرده ام به زیارت امام رضا بروم. بعد هم تمام تلاشم را می کنم که کار پیدا کنم و برای زندگی خواهرم تلاش کنم.

مهدی با فردی به نام طالب درگیر شده است و از من خواست به کمک او بروم من هم بلافاصله اسلحه کلاشینکف را برداشتم و در همین حال بهزاد و مهدی با پراید ۱۱۱ دنبالم آمدند و به کوچه خندق رفتیم. یک لحظه من از خودرو پیاده شدم و به صورت تک تیر گلوله های زیادی به در عقب و سمت راننده شلیک کردم اما قصد کشتن طالب را نداشتم ولی روز بعد از فرار، در جریان قتل قرار گرفتم.

گزارش خراسان حاکم است؛ با: اعتراضات این منته به قتل مسلحانه، بی درنگ کار آگاهان عازم قوچان شدند و سلاح کلاشینکف را نیز در مخفیگاه اجاره ای «محمدرضا-ق» کشف کردند. در همین حال قاضی دکتر زرقانی با قدردانی از همه عوامل گروه ویژه کار آگاهان پلیس آگاهی و همچنین نظارت مستقیم سردار تقوی در کشف این پرونده جنایی گفت: تحقیقات مقدماتی بسا اقرار صریح منته به قتل آغاز شده است و منته همه مراحل وقوع این جنایت هولناک راهنگام بازجویی تشریح کرد اما هنوز زوایای پنهانی وجود دارد که بررسی ها در این باره ادامه می یابد.

پدر بزرگم را راضی به بخشش کند. بالاخره او از قصاص گذشت کرد و شرط دریافت دیه را گذاشت. البته خواهرم هم من را بی قید و شرط بخشیده است. حتی همدستش را بخشید اما من نمی توانستم مجید را بخشیم و از او کینه به دل دارم.

**اما او به درخواست تو وارد این جریان شده بود!**

اگر فقط به خاطر کمک به من بود، قبیل از اینکه خودم را معرفی کنم به من نمی گفت که اگر برایم موتور نخری موضوع را به دایمی ات می گویم. بعد از این حادثه خانواده اش هر دقیقه سراغ خواهرم می رفتند و از او می خواستند رضایت دهد. به او گفته بودند اگر رضایت بدهد، تا آخر عمر هوایش را دارند. اما بعد از اینکه خواهرم اعلام رضایت کرد حتی یک تلفن هم به او نزدند. برای همین من مجید را نمی بخشیم و طلب دیه پدرم را کرده ام که دادگاه هم در حال رسیدگی به شکایت من است. بعد از کشتن پدر و مادرم تنها به زندگی خواهرم فکر می کنم

**زندگی آینده ات را چطور می بینی؟**

من خدای خیلی بزرگی کرده ام و تا آخر عمر عذاب این اتفاق همراه من

شد و روی زمین افتاد.

**بعد چه شد که تصمیم به قتل پدرت گرفتی؟**

من خیلی ترسیده بودم. نمی دانستم باید چه کار کنم. فکر می کردم هر لحظه ممکن است پدرم و خواهرم بیدار شوند. یا هم جرم پرونده ام به نام مجید، دوست خیلی صمیمی بودیم. به او زنگ زدم و از او خواستم خیلی سریع به خانه مان بیاید. آنها همسایه مان بودند و خانه شان نزدیک مایور. وقتی به خانه ما رسید و موضوع را فهمید به من گفت برای اینکه موضوع فاش نشود باید پدرت را هم بکشی. بعد گفت من کمکت می کنم به شرط اینکه وقتی ارثیه پدرت به تو رسید، برای من موتور بخری. مجید عاشق موتور است.

**بعد چه شد؟**

مجید پدرم را خفه کرد و بعد شیر گاز را باز کرد و به من گفت خواهرم را بیرون از خانه ببرم. گفت چند ساعت دیگر برگرد و به اورژانس زنگ بزن و بگو موضوع گاز گرفتگی بوده است. پدر بزرگم از قصاص من گذشت کرد

**قصاص تو منتفی شده است؟**

خواهرم خیلی سعی کرد

حالی که خواهر مهرداد به عنوان ولی دم پدرشان، همدست مهرداد را بی قید و شرط بخشید، پدر بزرگ مهرداد به عنوان ولی دم مادرشان تقاضای دیه از او را کرد. بعد از آن مهرداد هم بابت قتل پدرش از همدست خود شکایت کرده و تقاضای دیه کرد. هفته گذشته مهرداد و دوستش باردیگر مقابل همدیگر قرار گرفتند. رسیدگی به پرونده در شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران انجام شد.

**در ادامه این گزارش گفتگوی اختصاصی با منته پرونده را بخوانید.**

**عصبانیت شدم و پدر و مادرم را کشتیم**

در زندان معرق کاری یاد گرفته و در این کار مهارت زیادی پیدا کرده است. حالا در ایام سالروز شهادت سردار سلیمیانی، در حال طراحی تابلوی معرق چهره اوست که این جمله هم بالای صورت سردار، به کمک زندانیان دیگر نقش می زند. حالا نزدیک چهار سال است که پدر و مادرش را می خاک سرد گور شده اند، خودش در کانون اصلاح و تربیت و عمرش را می گذراند و خواهرش از بی کسی و بی پناهی در بهزیستی زندگی

**گروه حوادث** - مرد جوان که با همدستی دوست خود، پدر و مادرش را در جریان درگیری به قتل رسانده بود و سعی کرده بود موضوع را گاز گرفتگی جلوه دهد، با رضایت اولیای دم از قصاص رهایی پیدا کرد. او هفته قبل در دادگاه کیفری یک استان تهران به عنوان شاکتی از همدست خود تقاضای دیه کرد. در این گزارش گفتگوی اختصاصی با منته پرونده را بخوانید.

اواخر سال ۹۵ پسر جوانی به نام مهرداد با ماموران اورژانس تماس گرفت و گفت: «از خانه مان بوی گاز می آید و پسر و مادرم بی حال روی زمین افتاده اند.» ماموران اورژانس بلافاصله در محل حادثه حاضر شدند و مرگ هر دو نفر را تأیید کردند. در حالی که با مشکوک تشخیص داده شدن مرگ پدر و مادر مهرداد، پرونده در جریان قضائی قرار گرفته بود، چند روز بعد از حادثه مهرداد با مراجعه به پلیس پرده از راز جنایت هولناک خود برداشت و به قتل پدر و مادر خود با همدستی دوستش اعتراف کرد.

او در تشریح قتل گفت که با مادرش را خودش در کانون اصلاح و تربیت و عمرش را می گذراند و خواهرش از بی کسی و بی پناهی در بهزیستی زندگی

## کوچه خندق قتلگاه معروف ترین شرور مشهد شد

داد. با آن که همه متهمان پرونده به شلیک های مرگبار مهدی با سلاح کلاشینکف اعتراف کرده بودند اما بررسی های دقیق کار آگاهان نشان داد: مهدی (منته فراری) از سمت شاگرد باراننده پژو ۲۰۷ در حال صحبت بوده در حالی که گلوله ها به در عقب و جلوی سمت راننده شلیک شده است!

**ردپای یک تبهکار مخوف**

بدین ترتیب، ردپای تبهکار مخوف دیگری به میان آمد و ماجرای شلیک های مهدی رکابی رنگ باخت زیرا مشخص شد او نقش مستقیم در ارتکاب جنایت نداشته است. فعالیت های کار آگاهان برای شناسایی تبهکار مرموزی که در تاریکی شب گلوله ها را شلیک کرده بود، در حالی آغاز شد که نشانی از یک پراید ۱۱۱ سفید رنگ به دست آمد که تبهکاران مخوف از داخل آن پیاده شده و بعد از ارتکاب جنایت با همتان پراید گریخته بودند. ادامه تحقیقات کار آگاهان که به سرپرستی سرهنگ ولی نجفی وارد عملیات بررسی های غیر محسوس نشان می داد

محل گریخت. من هم به کوچه خندق آمدم، جایی که مامور اورژانس نشانی آن را داده بود.

ماجرای جنایت پیچیده دیگر افراد مرتکبان این پرونده جنایی، ماجرای قتل طالب پیچیده تر شد و مهدی به اتهام ارتکاب جنایت مسلحانه تحت تعقیب کار آگاهان اداره جنایی قرار گرفت.

**روند تحقیقات تغییر کرد**

از سوی دیگر با توجه به حساسیت ماجرای تیراندازی و ایجاد رعب و وحشت در منطقه ای از شهر، سردار محمد کاظم تقوی (فرمانده انتظامی خراسان رضوی) شخصاً وارد ماجرا شد و دستور داد گروه ویژه ای از کار آگاهان با نظارت و هدایت مستقیم سرهنگ جواد شفیعی زاده (رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی) به پیگیری جدی پرونده «جنایت در خندق» بپردازند. به همین دلیل گروه ویژه کار آگاهان به تحقیق در این باره پرداختند اما بازبینی محل اصابت گلوله ها به خودروی پژو ۲۰۷، به طور کلی روند تحقیقات را تغییر

داد. با آن که همه متهمان پرونده به شلیک های مرگبار مهدی با سلاح کلاشینکف اعتراف کرده بودند اما بررسی های دقیق کار آگاهان نشان داد: مهدی (منته فراری) از سمت شاگرد باراننده پژو ۲۰۷ در حال صحبت بوده در حالی که گلوله ها به در عقب و جلوی سمت راننده شلیک شده است!

**ردپای یک تبهکار مخوف**

بدین ترتیب، ردپای تبهکار مخوف دیگری به میان آمد و ماجرای شلیک های مهدی رکابی رنگ باخت زیرا مشخص شد او نقش مستقیم در ارتکاب جنایت نداشته است. فعالیت های کار آگاهان برای شناسایی تبهکار مرموزی که در تاریکی شب گلوله ها را شلیک کرده بود، در حالی آغاز شد که نشانی از یک پراید ۱۱۱ سفید رنگ به دست آمد که تبهکاران مخوف از داخل آن پیاده شده و بعد از ارتکاب جنایت با همتان پراید گریخته بودند. ادامه تحقیقات کار آگاهان که به سرپرستی سرهنگ ولی نجفی وارد عملیات بررسی های غیر محسوس نشان می داد

گروه حوادث - جوان ۲۸ ساله ای که معروف ترین شرور مشهد را در کوچه خندق تیرباران کرده بود، شب یکشنبه گذشته در مخفیگاهی دستگیر شد و از این جنایت هولناک را فاش کرد. ماجرای اقرار مرگ در کوچه خندق از زمانی بین چند تبهکار مخوف لو رفت که شب سیزدهم خرداد گذشته، راننده یک دستگاه پژو ۲۰۷ سفید رنگ در کوچه خندق محله محمدآباد مشهد با شلیک از سلاح کلاشینکف تیرباران شد و رعب و وحشت عظیمی در آن منطقه به راه افتاد. اگرچه نیروهای اورژانس پیکر نیمه جان مجروح ۲۷ ساله را به بیمارستان امدادی شهید کامیاب رساندند اما تلاش ها برای نجات جان او بی نتیجه ماند و «طالب-ع» که در سال ۹۴ به اتهام شراکت و نزع های مسلحانه و با دستور دادستان وقت مشهد در شهر از اصابت گلوله جان سپرد. وقتی مرگ این جوان در بی سیم های پلیس پیچید، بی درنگ قاضی کاظم میرزایی (قاضی وقت ویژه قتل عمد مشهد) عازم محل وقوع جنایت شد و به تحقیق در این باره پرداخت. بررسی های مقدماتی در حالی آغاز شد که جوانی به نام «حامد» خود

## نیاز مندیهای روزانه جزیره کیش

**نیاز مندیهای اقتصادی کیش**

۴۴۴۲۳۹۱۰ ۴۴۴۲۴۹۹۹

**جویندگان کار در جزیره ثبت رایگان ۴۴۴۲۴۹۹۹**

**خدمات خرید و فروش و ...**

خدمات تأسیسات، آب، برق، فاضلاب و تعمیرات ساختمان (کلی و جزئی)

با سابقه سال ها امور تأسیساتی در جزیره کیش

کمالی ۰۹۳۴۷۶۸۲۰۵۴

**استخدام مفقودی**

نیروی آقا جهت کار در فروشگاه مبلان نیازمندیم

۰۹۳۴۷۶۹۴۱۲۵-۴۴۴۵۱۹۶۸

یک نیروی خدماتی (خانم/آقا) جهت کار در محیط اداری نیازمندیم.

ساعت کاری ۹:۳۰ تا ۱۳:۳۰ ۱۷:۳۰ تا ۲۱:۳۰

۰۹۳۴۷۶۸۴۸۷۳

**سفارش ظروف سفالی دست ساز**

من برای ادای دین به زمین به نقطه ای پناه برده ام که شناخت دقیقی از آن دارم. خاک، سعی برای لمس آنچه از آب و خاک می آفرینم.

برای تهیه ظروف سفالی دست ساز میتوانید به صفحه ی اینستاگرام مراجعه کنید.

@tarkhancollection

**نیاز مندیهای اقتصادی کیش**

۴۴۴۲۳۹۱۰ ۴۴۴۲۴۹۹۹

**جویندگان کار در جزیره ثبت رایگان ۴۴۴۲۴۹۹۹**

آقا - با سابقه کار خدمات فنی و مهندسی ساختمان آماده همکاری با مراکز و شرکتهای مربوط می باشد

۰۹۳۴۷۶۹۰۲۵۵

\*\*\*

آقا - با سابقه کار در غذای بیرون بر آماده همکاری با مراکز و شرکتهای مربوط می باشد

۰۹۳۴۷۶۸۴۰۸۰

۰۹۳۵۲۶۸۲۲۴۰

**بافت مو هانیه**

با ۴۰٪ تخفیف ویژه

(با ۷ سال سابقه کار در پلاژ بانوان)

hanibaftkish

۰۹۳۹۱۴۴۷۱۱۳

استاد کار گچ کار ساختمان آماده کار در پروژه ها و ساخت و ساز در جزیره کیش

۰۹۱۹۷۹۱۰۹۴۷

**نیاز مندیهای اقتصادی کیش**

۴۴۴۲۳۹۱۰ ۴۴۴۲۴۹۹۹

**خدمات**

**فود فور کیش**

سامانه آنلاین سفارش غذا

از رستورانهای جزیره کیش

وبسایت و اپلیکیشن

www.F4k.ir

**استخدام**

استخدام فروشنده آقا یا خانم حقوق اداره کار، بیمه، بدون نیاز به سابقه ساعت کاری: ساعت بازار

بازار مرجان - تلفن تماس: ۰۹۱۳۱۶۶۸۵۴۰

اماکن قرنطینه ای، منازل مسکونی تجاری، اداری، پروژه ها و ... با ما پاش های سرد - فوری

شماره تماس: ۰۹۳۴۷۶۹۷۳۵۷

**شرکت شاندیدز کیش ضد عفونی**

ضد عفونی